

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال دوازدهم- شماره اول- بهار ۱۳۹۸- شماره پیاپی ۴۳

بررسی ویژگی‌های سبکی نسخه خطی "ریاض‌الفتیان" ابن حسام هروی و معرفی مؤلف آن

(ص ۸۳-۱۰۲)

زهرا خسروی دستگردی^۱، محمد ابراهیم مالمیر^۲ (نویسنده مسئول)،

عطا محمد رادمنش^۴

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۹۶

چکیده

"نصاب الصبیان" ابونصر فراهی (ق. ۶)، منظومه‌ای تعلیمی در لغت و علوم ادبی است که از زمان تألیف تا قرن چهاردهم قمری کانون توجه دانشمندان و نویسندگان بود؛ بطوریکه شروح بسیار بر آن نگاشتند. "ریاض‌الفتیان" ابن حسام هروی یکی از بهترین شروح آن در عصر تیموری است که تا کنون نویسنده و حتی خود اثر معرفی نشده است. مسأله اصلی در این مقاله معرفی "ریاض-الفتیان"، بررسی نوآوری، ویژگی و مختصات سبکی و نگارشی آن و شناساندن مؤلفش است. نتایج تحقیق که به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر مبنای روش اسنادی صورت گرفته است، نشان می‌دهد نظام الدین بن کمال الدین بن جمال الدین خوافی هروی معروف به "ابن حسام هروی" از لغویان عصر تیموری است و ریاض‌الفتیان او به عنوان متنی تعلیمی، کهن‌ترین و جامع‌ترین شروح نصاب الصبیان فراهی است که آمیخته‌نگاری، مستندنویسی، شرح و بسط اسنادی و استشهادی کلمات از ویژگی‌های بارز آن است و از بسامد بالایی در تلمیح، اقتباس و استشهاد به آیات و احادیث و ارجاع به کتب لغت معتبر برخوردار است. ابن حسام ضمن رعایت سنت روان‌نویسی، در ثبت دقیق کلمات بسیار همت گماشته و اثرش بزرگترین گنجینه برای معرفی و شرح معربات است.

کلمات کلیدی: ابن حسام هروی، ریاض‌الفتیان، شرح نصاب الصبیان، متون منظوم تعلیمی، ویژگی‌های سبکی.

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (khosravi.ph@gmail.com)

۲- استاد مدعو گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول) (dr.maalmir@gmail.com)

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (dr.maalmir@gmail.com)

۴- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (ata.radmanesh@gmail.com)

۱- مقدمه

یکی از نسخ خطی که در ابعاد و زوایای مختلف ارزشمند و بایسته پژوهش و معرفی است، "ریاض‌الفتیان" اثر ابن حسام، از متون عصر تیموری در شرح منظومهٔ تعلیمی "نصاب‌الصبیان" است. "نصاب" در اصطلاح ادبی به واژه‌نامه‌های یک یا چند زبانهٔ منظوم، اطلاق می‌گردد که بیشتر برای نوآموزان و کودکان تدوین می‌شد؛ به کتابهای نحو ویژهٔ کودکان، هم نصاب می‌گفتند.

"نصاب‌الصبیان" اثر ابونصر فراهی- ادیب لغوی و فقیه حنفی قرن ۶ و ۷ ق. با لقب بدرالدین و کنیه ابو نصر- است. از آنجا که در قرن هفتم ق. عربی‌دانی و عربی‌خوانی در حوزهٔ علم و تألیف، مهم و از ضروریات بود، فراهی از جادوی شعر برای تعلیم نوآموزان علاقه‌مند به این زبان استفاده کرد و کتابی در ادبیات تعلیمی به نام "نصاب‌الصبیان" پدید آورد؛ این منظومه، لغت‌نامه یا دائرةالمعارف کوچک عربی به فارسی است که در ۲۰۰ بیت (بحور متفاوت)، حدود ۱۳۰۰ واژهٔ عربی را در ۱۰ حوزهٔ علمی یعنی: علم لغت، شعر، کیمیا، معرفت‌انساب، قرآن، طب، نجوم، حساب، نحو و ادوات، شرح می‌کند. روش موزون فراهی در ریاض‌الفتیان، سرمشق نصاب‌گویان در امر آموزش شد، به طوری که در هر زبانی به تقلید او نصاب گفتند و از مهمترین آنهاست:

الف) نصاب‌های عربی به فارسی و فارسی به عربی:

۱) زهرهٔ الادب: از شکر الله بن شمس‌الدین احمد القاضی ابن سیف‌الدین زکریا (۶۴۰ ق.) (حاجی خلیفه، بی تا: ۲/۹۶۲-۹۶۱)؛ ۲) نصاب مثلثات: از امیرخسرو بن محمود الدهلوی (۷۲۸ ق.) (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۳۲: ۱۶۷/۲۴)؛ ۳) قنیة‌الفتیان: از صدر البدر در ۱۹۶ بیت (مجلهٔ تراثنا، ۱۴۰۶: ۱۰۸/۴)؛ ۴) سلک الجواهر: از عبد‌الحمد بن عبد الرحمن آنکوری سرودهٔ ۷۵۷ ق. (حاجی خلیفه، بی تا: ۲/۹۹۷)؛ ۵) مرقاة‌الصبیان: از محمد باقر بن حسین بن ابی تراب موسوی اصفهانی (متوفی ۱۳۳۵ ق.) (عمر کحاله، بی تا: ۸۶/۹).

ب) نصاب‌های زبانه‌های دیگر به فارسی و بالعکس:

- فارسی به ترکی و ترکی به فارسی: ۱) تحفهٔ سام؛ از حسام‌الدین حسن بن عبدالمؤمن حسام‌خویی ۷۰۹ ق. (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۳۲: ۱۹/۱ ق/۲۳۶)؛ حسام‌خویی، ۲۰۱۰؛ ۲) تحفهٔ الشاهدی: از شاهد مولوی. (مجلهٔ تراثنا، ۱۴۰۶: ۱۱۱/۴) ۳. التحفهٔ فی اللغة (تحفه وهبی)؛ از محمد وهبی سنبل‌زاده. (بغدادی، بی تا: ۴۰۶/۲؛

مجله تراثنا، ۱۴۰۶: ۱۱۱/۴؛ ۳) نجات السالکین؛ از شیخ موسی بن محمد حسین طهرانی، متخلص به بیطار در ۱۵۰ بیت. (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۳۲: ۵۸/۲۴، ۱۶۳؛ ۵. نظم الجواهر: از حسن بن سید حسن بن عبد الله عینتانی المدرس، متخلص به عینی (متوفی ۱۲۵۳ ق.) (بغدادی، بی تا: ۳۰/۱) و

- نصاب انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی: نصاب انگلیسی: فرهاد میرزا ابن عباس میرزا ابن فتحعلی شاه قاجار، ۱۲۹۶ ق. (الذریعه، آقابزرگ طهرانی، ۱۳۳۲: ۱۵۰/۱۸)

- فارسی به فرانسه و فرانسه به فارسی: (۱) منظومه اعتصامیه: عبدالحسین خان زند، ۱۳۰۳ ق. (الذریعه، آقابزرگ، ۱۳۳۲: ۱۶۶/۲۴؛ سلطانی فر، ۱۳۸۶: ۱۲۵-۱۳۴؛ ۲) نصاب ناصری بهجت قاجار (آقابزرگ، ۱۳۳۲: ۱۶۶/۲۴؛ ۳) نصاب اَدیب الممالک الفرهانی: (همان: ۱۶۲/۲۴، ۱۶۶).

- نصاب هندی به فارسی و فارسی به هندی: (۱) نصاب خالق باری: از امیر خسرو بن محمود الدهلوی (۷۲۸ ق.) نصابی فارسی و عربی به هندی. (الذریعه، آقابزرگ طهرانی، ۱۳۳۲: ۱۶۴/۲۴) (۲) نصاب هندی: از یوسف بن محمد بن یوسف، طبیب هراتی، مشهور به یوسفی هروی و

ج) نصاب‌های چند زبانه: نصاب شش زبانه: نصاب فارسی به شش زبان، اثر یوسفی، که در آن هر کلمه‌ای را به شش زبان ترکی، عربی، فارسی، آفغانی، هندی و کشمیری ترجمه کرده است (الذریعه، آقا بزرگ، ۱۳۳۲: ۱۶۵/۲۴).

د) نصاب‌های لهجه‌های فارسی:

(۱) **نصاب طبری:** اثر امیر که آن را برای تیمور قاجار سروده است. (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۳۲: ۱۶۵/۲۴-۱۶۶؛ ۲) **نصاب شوشتر:** اثر محمدباقر نیرومند. (نیرومند، ۱۳۵۰)

و ...

سنت رایج بین اهل علم، نگارش شرح و تعلیقه بر کتب پرکاربرد بوده است؛ "نصاب الصبیان" از جمله این آثار است که بالغ بر ۵۰ شرح بر آن نوشته اند و آقای عیوضی ۳۸ شرح آن را صرفاً نام برده اند (عیوضی، ۱۳۹۲، ۲۳۲-۲۰۵). «ریاض‌الفتیان فی شرح نصاب الصبیان» مهمترین و کاملترین شرح مبسوطی است، که معرفی و بحث در مورد سبک و ابعاد گوناگون آن و مؤلفش، موضوع این گفتار است.

۲- پیشینه تحقیق

با توجه به فهرس نسخ خطی، از "ریاض‌الفتیان" بالغ بر، ۱۶ نسخه موجود است. کثرت استنساخ، دلیلی متقن و منطقی بر ارزشمندی اثر و اعتبار و شهرت مؤلف است. گرچه این اثر از مهمترین شروح «نصاب الصبیان» است، تاکنون، تصحیح و چاپ نشده! حال آن که تصحیح این شرح، در رفع ابهامات نصاب الصبیان و آشکاری مزایای روش آموزشی آن، سودمند است.

۳- معرفی «ریاض‌الفتیان»

«ریاض‌الفتیان» به معنی بساتین جوانمردان (لغتنامه دهخدا)، ظاهراً توسط مؤلف در معنای مجازی، استعاره است برای کتابی که درک مطالب متنوعش، چون باغ برای مشتاقان و نیازمندان دانش اندوزی، نافع و آرامش بخش است. «ریاض‌الفتیان» از آثار قرن ۸ق. (عصر تیموری) است؛ "عصری که زمان انحطاط و ابتذال شعر و ادب و دوره تصنیفات مبالغه آمیز است" (تاریخ ادبیات ایران، ربیکا: ص ۳۹۸) و "دنیای ادب، فاقد نواندیشی و ابداع است و بدیهی است که با انحطاط موجود در این عصر، نباید انتظار آثار کیمی داشت" (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۳: ص ۲۰۵). هنر اصلی علمای این عصر، تهیه گلچینی از مطالب کتب گوناگون، برای طلاب مدارس است که برای فهم بهتر طلاب، بعدها بر آنها شرح و حاشیه می‌نوشتند و عده‌ای دیگر، شرح‌ها را تخلیص و گروهی بر گلچین‌ها، تفسیر می‌نوشتند (همان، ج ۴: ۷۹-۸۲)؛ اثر منشور «ریاض‌الفتیان»، از ویژگی‌های نثر تیموری خالی نیست؛ یعنی صبغه دینی دارد و به آیات قرآن و قول بزرگان مذهبی چون ابوحنیفه و ... مزین است. اندک کلمات ترکی هم در آن هست. به دلیل موضوعش (شرح واژه نامه) و همچنین تغییر سبک زمان در جهت سادگی نثر، حالت مرسل‌عاری از آرایه‌های مبهم و دشوار دارد؛ اما شرح بسیاری از بخشها عربی است و شاید همین، تاحدی باعث دیرفهمی و بی‌توجهی به آن شده باشد.

۴- معرفی مؤلف ریاض‌الفتیان و دلایل اعتبار و اشتهار علمی-اجتماعی او و خاندانش

مؤلف "ریاض‌الفتیان، نظام‌الدین بن کمال‌الدین بن جمال‌الدین معروف به "ابن حسام است. اطلاق عنوان "ابن حسام" به افراد گوناگون، همواره باعث ابهاماتی بوده است؛ در تاریخ چندین نفر، عنوان ابن حسام داشته‌اند:

- ۱) جلال‌الدین بن حسام معروف به ابن حسام سرخسی از شعرای قرن ۷ ه. ق.
- ۲) جمال‌الدین محمد بن حسام هروی معروف به ابن حسام از مردم خواف، ساکن هرات، از شاعران مخصوص ملک شمس‌الدین کرت و فرزندانش که ظاهراً اواخر عمر

در کرمان زیسته و در عصر خویش در شاعری مشهور بود. ابن حسام خوافی هروی در گذشته به سال ۷۳۷ق. در فن غزل‌سرایی معروف بود و تخلصش ابن حسام و محمد بود.

۳) محمدبن حسام الدین مشهور به ابن حسام قهستانی از شعرای قرن ۹ ق. که دیوان مدایح او معروف است (تاریخ نظم و نثر در ایران، نفیسی: ص ۲۰۶).

۴-۱- شعرای همنام

در قرن ۸ ق. چند شاعر خوافی مشهور به ابن حسام از خراسان، در هرات می‌زیستند (اجداد مؤلف) از جمله:

۱) جمال الدین محمد بن حسام هروی معروف به ابن حسام: تذکره الشعراء او را چنین معرفی می‌کند: «فضل او زیاده از وصف است و شعر او را مولانا مظفر هروی بر اقران او تفضیل می‌کند و او از خواف است و در دارالسلطنه هرات مسکن داشته و در روزگار ملوک هرات، ظهور یافته. قطعه‌ای در حق ملک شمس‌الدین کرت گفته و تاریخ ابتدای دولت او (تسع و عشرين و سبعمائه) را بیان کرده است. وفات مولانا حسام الدین به روزگار ملک شمس‌الدین کرت در سنه سبع و ثلاثین و سبعمائه بوده است (تذکره الشعراء، سمرقندی: ص ۲۲۶)؛ وی در روزگار محمد شاه، حاکم دهلی به دربار وی راه یافت و قصیده‌ای با مطلع زیر در مدحش سرود و هم قد خود، زر گرفت الهی تا جهان باشد نکودار این جهانبان را * محمد شاه تغلق شاه سلطان بن سلطان را (منتخب اللطائف، رحیم علیخان: ص ۷۹)؛ نوه وی، نظام‌الدین ابن حسام نیز در دیباچه کتابش «ریاض‌الفتیان» از جدش با لقب «جمال» و با توصیف «جد صحیح و اسفل» یاد میکند.

۲) کمال الدین ابن جمال الدین: اثری منظوم با عنوان «عوامل منظوم» یا «المائة العاملة» دارد که در دست‌نوشته‌های ایرانی (دنا)، ۶۲ نسخه از آن هست (فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران، درایتی، ج ۷: ص ۶۷۳)؛ این منظومه را برای معزالدین حسین بن ملک غیاث‌الدین بن فخرالدین کرت حاکم هرات، سیستان و غور (۷۷۱-۷۳۲ ق.) سروده است (فهرست نسخه‌های خطی، منزوی، ج ۳: ص ۲۰۷۲)؛ فرزند وی نظام‌الدین ابن حسام، در دیباچه «ریاض‌الفتیان»، از پدرش با لقب «کمال» نام برده و در جای دیگر همین کتاب، به اثر وی با عنوان «مائه العاملة» اشاره میکند (همان: ص ۱۵۶).

بی‌گمان کتابی با قابلیت تقدیم به امیر، کتابی ارزشمند بوده و باید مؤلفی معتبر و عالم داشته باشد!

۳) نظام‌الدین بن کمال‌الدین بن جمال‌الدین: «ریاض‌الفتیان» در شرح نصاب‌الصبیان فراهی، از اوست؛ این شرح از کهن‌ترین شرح‌های نصاب است. آقابزرگ تهرانی، نگارش آن را ۷۳۷ ق. می‌داند (الذریعه، آقا بزرگ، ج ۱۱: ص ۳۳۳) اما در نسخه محیط طباطبایی ۷۹۰ ق. آمده است که ظاهراً واقعی‌تر مینماید!

آقابزرگ در معرفی خانواده او می‌گوید: «اسمه کمال‌الدین بن حسام‌الخوافی الهمروی. هو والد نظام بن کمال‌الذی شرح نصاب‌الصبیان به اسم ریاض‌الفتیان...» (همان، ج ۹: ص ۹۱۸). معرفی پدر با نام پسرش، نشانه شهرت و جایگاه والای پسر اوست؛ اینکه بعد از نام شخص، بلافاصله نام اثرش بیاید، دلیلی بر شهرت اثر است و لذا از تعبیر صاحب‌الذریعه چنین برمی‌آید که نظام‌الدین و اثرش ریاض‌الفتیان شهرت بایسته‌ای داشته‌اند.

آقابزرگ، بین جمال‌الدین ابن حسام و ابن حسام خوسفی تمایز قائل می‌شود (همان، ج ۹ ق ۱: ۱۹) اما در ذیل ریاض‌الفتیان نظام ابن حسام، او را از خاندان ابن حسام خوسفی می‌داند! (همان، ج ۱۱: ص ۳۳۳)، در حالی که برخی چون خامه‌یار، ابن حسام خوسفی (درگذشته ۸۷۵ ق.) را شخصی جدا از این خاندان، دانسته؛ زیرا جز تشابه نام پدر یا جد، مدرک دیگری برای انتساب وی به خاندان ابن حسام‌خوافی نیافته و اظهارات دولتشاه سمرقندی (ص ۲۲۶) و این که زندگی‌نامه دو ابن حسام را جدا از یکدیگر آورده، را دلیلی بر مدعای خود می‌داند (خامه‌یار، مقدمه تصحیح «فرائض‌نامه منظوم ابن حسام»).

۵- بررسی محتوایی ریاض‌الفتیان

ابن حسام، بیش از ۱۳۰۰ واژه عربی را که فراهی، در ۲۰۰ بیت و ۷ بحر عروضی در ۴۰ قطعه سروده، در "ریاض‌الفتیان"، شرح کرده است. شارح، انگیزه خود را برای شرح، اصرارِ دوستان دانسته، می‌گوید: کوشیده جهت رفع مشکلات و ذکر جمیع معانی لغاتی که شیخ فقط برخی از آنها را ذکر کرده، شرحی کامل ارائه کند که ضمن تقطیع هر قطعه، نام بحرِ قطعه، هم باشد. شارح ضمن تحلیل و ذکر وجه تسمیه عنوان «نصاب‌الصبیان» به شرح واژه‌ها آن، پرداخته است.

ابن حسام ضمن ترجمه واژه به فارسی و ذکر تلفظ صحیح، معمولاً نوع دستوری، مشتقات و معانی گوناگون آن را می‌آورد. واژه‌های تخصصی علوم گوناگون، موجب تنوع و گستردگی موضوع شرح شده‌است. عدم یکدستی موضوع واژه‌ها، مربوط به واژه‌نامه بودن

اثر و تنوع علوم گوناگون موجود در آن است؛ به طوری که از تاریخ انساب، تاریخ اسلام، پزشکی، نجوم و تقویم گرفته، تا شیمی (وزن حجمی فلزات سبعة) و ریاضی (حساب ابجد و ذکر اوزانی چون خردل، قطمیر و...) را شامل می‌شود.

۶- ویژگی‌های سبکی «ریاض‌الفتیان»

۶-۱- کلیات ویژگی‌های سبکی

سبک شناسی پلی میان تاریخ ادبیات و زبان شناسی است و هدفش تنها مطالعه واژه‌ها و دستور زبان نیست بلکه روش به کار گیری آنهاست (کلیات سبک شناسی، شمیسا: ص ۷۶). مختصه سبکی ویژگی تکرار شونده، غیر متعارف یا منحصر به فرد است، که کشف و بررسی آن، در بررسی‌های سبک شناسانه، حائز اهمیت است.

از آنجا که "در سبک شناسی، سبک دوره (سبک مشترک آثار یک دوره خاص)، سبک شخصی (سبک متمایز کننده اثر از معاصرانش، اثر انگشت زبانی مؤلف) و سبک ادبی (سبک لطیف و مخیل در تمایز با سبک علمی، مذهبی، حقوقی و...) " (همان: ص ۷۴)، بررسی می‌شود در ضمن بحث به دوره خلق این اثر، یعنی ویژگی عصر و نثر تیموری هم اشاراتی خواهد شد.

آمیخته نویسی و آوردن عبارات عربی بین متنی، با هدف مستندسازی و تشریح بهتر موضوع، از ویژگی‌های سبکی بارز «ریاض‌الفتیان» و عصر تیموری است، علاوه بر اصطلاحات علوم زمان به عربی، کاربرد بین متنی حدیث، ضرب المثل و آیات، در ریاض-الفتیان فراوان است. از آنجا که "چنگیز و قومش از عبارت پردازی، آرایش مناشیر و مراسلات درباری به شیوه مترسلان ایرانی، خوششان نمی‌آمد" (سبک شناسی، بهار، ج ۳: ص ۱۰۸۲)، در قرن ۷ ق. نثر مصنوع مملو از لفاظی و اطناب، به نثر ساده، بدل می‌شود و چون بایسته شرح، زبانی گویاست، در ریاض‌الفتیان روانی خاصی وجود دارد.

ابتدای "ریاض‌الفتیان"، نثری نسبتاً دشوار نزدیک به "ظفرنامه" علی یزدی و مقدمه حبیب السیر دارد، اما چون شارح قصد ارائه شرحی آسان را داشته، در ادامه "به شیوه دیگر کتب عصر، مانند "ظفرنامه" نظام شاهی و آثار خواجه محمد پارسا و نثر جامی، به سادگی می‌گراید (جز در بخش‌های صرفاً عربی)؛ چرا که کتب علمی، نثری ساده دارند" (انواع نثر فارسی، رستگار: صص ۴۹۷-۵۰۰).

شارح کوشیده از واژه‌های فارسی کهن، بهره گیرد اما بسیاری قسمت‌ها را، کلاً عربی شرح می‌کند؛ مثلاً در قسمت نحو، شرح حرف تنبیه "ألا" و ... را کلاً به عربی، می‌آورد؛ وی

اصطلاحات علوم گوناگون را روان و آشکار شرح می‌کند؛ مثلاً در علم نجوم، در مورد بروج و نام فارسی اجرام آسمانی، می‌گوید: ... سیاره هفتند؛ بهرام که او را مریخ گویند. مشتری زهره، زحل، عطارد، شمس، قمر و به زبان فارسی زحل را کیوان خوانند... این دوازده برج را بر هفت ستاره قسمت کردند؛ یکی از دوازده که اسد است، به آفتاب دادند، دیگری که سرطان است، به قمر، باقی ماند ده برج و پنج ستاره؛ هر ستاره را دو برج دادند (۵۵/ر). ابتدا فهرست وار، مطالب حاصل از بررسی اثر، معرفی، سپس نمونه‌هایی برای هر مورد، ارائه می‌گردد:

- ۱) اصطلاحات تخصصی (نجوم، پزشکی...) را با جملاتی کوتاه و واضح شرح می‌کند: «وهذه القطعة فی بیان أسماء السنین بلغة الترك. بدان ایشان دوازده برج را بدین دوازده نام، که درین دو بیت گفته شده، می‌خوانند و تاریخ سال ایشان، دوازده بیش نیست؛ هر سال را ازین جانوران، به نام برجی ازین بروج، می‌خوانند... سال موش می‌گویند و سال گاو... (۵۴/ر)؛ ناخس: آن که خلطی یا بادی یا بخاری آغشته را متجدد گرداند، عرضا و صاحب او را چنان نماید، که سوزن در اعضای او می‌خلانند» (۵۳/ر).
- ۲) ذکر تلفظ دقیق واژه‌ها: الخَفَرُ: بالخاء المعجمة والفاء المفتوحتين وبالراء؛ شِدَّةُ الحياءِ ... یعنی: شرمگین شدن (۶۱/چ).
- ۳) در اکثر موارد، اصل و تحولات صرفی (تغییرات ساختی واژه) را، با جزئیات می‌آورد: «الْمِيزَانُ: ترازو. وأصله مِوزَانٌ انْقَلَبَتِ الواوُ ياءً لَانْكِسَارِ ما قَبْلَها، وهو مِفْعَالٌ مِنَ الوزن... یعنی سنجیدن (۶۳/چ)؛ المَعَانُ ... موضع یاری دادن، وفي الأصل مَعَوْنٌ ... واو مَعَوْنٌ را الف کردند؛ چون در عَوْنٌ به سبب تحرک واو وانفِتاح ماقبل الف شده بود؛ این نیز فرع او بود، الف کردند» (۶/ر).
- ۴) ذکر نوع دستوری واژه و برخی مشتقات آن: المطبوخ: إسم مفعول؛ مِنَ الطَّبِخِ ... پختن، والموضع المَطْبُخِ بفتح الميم (۹۲/ر)؛ المِغْرَفَه... کفگیر، أَلَهُ مِنَ الغرف (۹۲/ر).
- ۵) همت در جهت به کارگیری کهن واژه‌ها فارسی: «الْأَزْرَقُ ... كُرْبَه چشم و آب صافی و سِنان و شمشیر روشن (۲۶/ر)؛ الضِرَامُ ... آتش گیره و زبانه آتش» (۳۳/چ).
- ۶) استشهاد و استناد به آیاتی که واژه شرحی، در آن هست (ویژگی سبکی آثار معاصر شارح): «الکنان... غطا و پوشش... كَقَوْلِهِ - تَعَالَى - : وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً. انعام: ۲۵» (۸۰/ر).

(۷) مستند کردن بسیاری از واژه‌ها با ذکر نظر لغویان و فقها: «العیسی: إسم عبرانی او سربانی ... قال الکوفی: هو فُعلی؛ وقال ابوعمرو: هُوَ مفعِل.» (۹۶/چ)

(۸) استفاده از فرهنگ‌های تخصصی و معتبر مانند العین، صحاح‌اللغه، تاج‌اللغات، قاموس‌المحیط و ... اما گاه عبارت را دقیقاً از آنجا ذکر نمی‌کند، بلکه گلچین و خلاصه‌ای از نکات مهمتر فرهنگ‌ها را می‌آورد.

(۹) آرایه ادبی عبارات توضیحی و اصطلاحات عروضی را ذکر، و بسادگی شرح میکند: «تجنیس ناقص آنست که بیان دو چیز که در اصل حروف متفق باشند در حرکت مختلف باشند و اگر در حرکت متحد باشند تجنیس تام باشد میان ایشان کالدقیق و دقیق و النخل و النخلی؛ ... شیخ رعایت لف و نشر کرده... (۳/ر)؛ الرَدْفُ ... یعنی از پی فرا شدن، والرَدْفُ فی الشعر: حرف ساکن من حروف المد واللين یَقَعُ قبل حرف الرّوی» (۹۵/ر).

(۱۰) مواردی را که "ابونصر" نیاورده، یا برداشت نادرست داشته است، ذکر کرده، اصلاح میکند (سندی بر پیشینه نقد در زبان فارسی): التسخین... شیخ، کفش گفته ولیکن چنین نیست؛ چون در صحاح و تاجین آورده تساخین موزه‌هاست. ولا واحد لها. اما در تاجین می‌گوید: وقیل واحدها تسخان. می‌تواند که شیخ گفته و خلق غلط نوشته باشند، اما شیخ کفش گفته و در کتاب اللغات، موزه است (۸۱/ر).

(۱۱) از انواع حاشیه نویسی (امضایی، انتقادی، فتوایی)، حواشی امضایی یا شرحی در اکثر صفحات آن دیده میشود.

۶-۲- ویژگی‌های سبکی "ریاض‌الفتیان" به تفصیل

در ادامه تحول نثر فنی قرن ۶ و ۷ ق. که در آن شیفتگی به زبان عربی و عشق به تزیین نثر و استفاده از آرایه‌های ادبی، بسیار است، گرایش نثر به ساده نویسی است؛ ریاض‌الفتیان هم از این قاعده مستثنی نیست و مؤلفش کوشیده ساده و روان بنویسد، اما چون دیگر آثار عصر، به عربی توجه دارد و بسیاری از بخشها (نحو عربی) را کلاً به عربی می‌آورد. به دلیل شرح بودن اثر، آرایه‌های ادبی آن، ساده و کمند.

"برای بررسی سبک شناسانه متن،" ساده ترین و عملیترین راه آن است که متن را از سه دیدگاه زبان، فکر و ادبیات بررسی کنیم" (کلیات سبک شناسی، شمیسا: ص ۱۵۳).

مهمترین ویژگی‌های سبکی "ریاض‌الفتیان" در سه سطح زبانی، فکری و نحوی، عبارتند از:

۶-۲-۱- سطح زبانی

در مطالعه سبک اثر از نظر سطح زبانی، باید سه جنبه را بررسی کرد: ۱. سطح آوایی ۲. سطح لغوی ۳. سطح نحوی

الف) ویژگیهای سطح آوایی:

۱) موسیقی بیرونی: اشعار اثر، از ۷ وزن و زحافاتشان تشکیل میشود؛ پر بسامدترین آنها به ترتیب عبارتند از: مجتث، مضارع، رمل، خفیف، متقارب، هزج (و رباعی که آن را از اوزان فرعی هزج میدانند)، رجز

تعداد ابیات و زحافات بحور، در جدول و نمودارِ پایان بحث، میآید؛ هر بحر فراخور حال و مقامی است؛ متقارب برای حماسه و تاریخ، رمل برای پند و واژهها اندرزی ... بحر مجتث، در ریاض الفتیان بسامد بالایی دارد؛ این وزن پر کاربرد شعر فارسی با اوزان دلنشینش، جزء اوزان نرم و متناسب با هجران و درد است. بحر مضارع، دومین وزن پر کاربرد این اثر است؛ این وزن از اوزان خیزایی (دوری یا غیر تکراری)، شاد و ضربی است و تحرک و حالتی شورانگیز و آهنگین دارد که حاصل تکرار ارکان و واژههای آن است. بحر هزج، ششمین وزن پر کاربرد "ریاض الفتیان" و از زمره اوزان جویباری است «اوزان جویباری از ترکیب نظام ایقاعی خاصی حاصل می‌شود که با همه زلالی، زیبایی و مطبوعی، شوق به تکرار در ساختمان آنها احساس نمی‌شود» (موسیقی شعر، شفیعی: ص ۳۹۵). در اوزان فارسی اگر بجای دو هجای کوتاه، هجایی بلند بیاید اصطلاحاً شعر سخته دار است (درجه موسیقایی اثر کاهش مییابد)، اما اگر این تغییر در هجای ماقبل آخر باشد، گوش این مکث یا سخته را حس نمیکند؛ این امر، در بسیاری از اشعار این کتاب بویژه اشعاری که شارح به تسامح آنها را "رباعی" خوانده (بیشتر مضارعند) دیده میشود و باید در نقد اثر لحاظ گردد.

۲) موسیقی کناری: ردیف و بویژه ردیف‌های گروهی، با افزایش آهنگ و موسیقایی کردن کلام موجب زیبایی و تأثیر گذاری بیشتر است؛ شاعران از این عامل بسیار بهره گرفته اند، اما در اشعار این اثر، شاید به دلیل آموزشی و علمی بودنش، کلا از ردیف (فعلی، اسمی، حرفی) استفاده نمیشود؛ یعنی از مردف بودن که از عوامل غنای موسیقی شعر است بهره‌ای ندارد.

قافیه: گرچه تکرار موجب افزایش موسیقی کلام است، قدامت تکرار قافیه را ناپسند می‌دانستند. در این اثر به جهت علمی بودن موضوع و نثر، تکرار قافیه یا اعنات (= نویسنده به قصد آرایش کلام و هنرنمایی، حرف یا کلمه‌ای را ملترزم شود که در اصل لازم نباشد) فنون

بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۷۴) دیده نمی‌شود. بسامد قوافی راثیه و نونیه نسبت به قوافی مختوم به الف، یاء کاف، دال... بیشتر است.

۳) موسیقی درونی: موسیقی درونی اندک که با تاکید بر صنایع بدیع لفظی (سجع، جناس و ...) شکل میگیرد، در سطح ادبی بررسی میشود.

ب) ویژگیهای سطح لغوی (سبک شناسی واژهها):

۱) در ریاض‌الفتیان، عربی و فارسی بگونه‌ای در هم تنیده شده (ویژگی نثر عصر مغول و تیموری) که خواننده نمیفهمد، متن فارسی است و عربی آن را زینت داده، یا بلعکس عربی است با چاشنی فارسی!! عربی به طرق مختلف (ترکیبات اضافی وصفی، کلمه عبارت، جمله...) در این اثر دیده میشود.

- اهداف و روش‌های کاربرد عربی: عربی در ادامه جمله یا میان جمله فارسی برای تأیید و مستند سازی می‌آید: هرچگاه که آحاد بر عشره ضم کنی، برای مؤنث علامت تانیث آری و از برای مذکر نیاری؛ تقول احد عشر رجلا واحدى عشره امرأة الی تسع عشر رجلا وتسعة عشره امرأة (۱۸/چ).

- گاه کل شرح واژه، عربی است، گویی شارح فراموش کرده، متن اصلی فارسی بوده و این تصور پیش می‌آید، که شاید باور شارح، برین است که همانطور که خود به عربی مسلط است، خواننده نیز باید با تسلطی آنگونه مطلب را دریابد: «أما ألا بفتح الهمزة حرف تنبيه وَقَعَتْ فِي أَوَّلِ الْكَلَامِ كَقَوْلِهِ - تعالی - : Π ألا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ O (بقره: ۱۲) أما ألا بضم الهمزة جمع لا واحد من جنسه وواحدة ذو وكذا أو كذا للمذكر وأولات للمؤنث أى مُتَّحِدَانِ فِي الْمَعْنَى و... « (۳۴/چ) و این باعث شده، بدون هیچ توضیحی، خواننده و واژه را با شرح مفصل عربی، رها کند.

- گاه برای تأکید و تیمن، به آیات قرآن (۱۵۸ مورد)، ضرب المثل و حدیث اشاره میکند: «الدَّفْؤُ ... السخونة والحرارة، یعنی؛ گرما، والدفو ایضاً نتاج الابل والبانها وما ينتفع به منها كَقَوْلِهِ - تعالی - : Π لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ O» (نحل: ۵)؛ کنیت او مشتمل بر نصر بود، که یاری کردن است؛ پس کنیت را ذکر کرد "الْفَالُ عَلَي مَا جَرَى" (۱/چ).

۲) ترکیبات (اضافی یا وصفی) را بیشتر، به صورت مقلوب، می‌آورد: «الناهق ... ناهق، نر خر بانگ کننده (۹۷/ر) = خر نر؛ الاثقیه ... دیگ پایه» (۹۲/ر).

۳) استفاده از "واژه‌های فریبکار" (= عناصری از زبان زنده ادبی که در متون با صورت لفظی امروزی به معنایی منسوخ یا مهجور یا کم استعمال در عرف زبان به کاررفته است (مجله شیمی، سال ۷، شماره ۲، مرداد ۱۳۷۳).

- خداوند در معنی صاحب: المُلک : بالحرکات الثلاث او سکون اللّام؛ خداوند شدن (۶ / چ).

- اضافه کردن در معنی نسبت دادن: نصاب را اضافه به صبیان کرد؛ جهت آنکه، آدمی را شش حالتست... این نسخه، مناسب صبیان بود، اضافه به ایشان کرد (۵ / ر).
- جلوه کردن = آبرو بخشیدن، ممتاز ساختن : «الْجَلَاء ... از خان و مان بیرون کردن و بیرون شدن و روشن شدن و عروس جلوه کردن» (۶۱ / چ).

۴) کاربرد اندک واژه‌های ترکی، با توجه به تعلق اثر به عصر تیموری که عصر تظاهرات واژه‌ها ترکی است: «أرُمَاق: بضم الهمزة وسکون الرّاء؛ زدن است به لفظ ترک و همچنین است ماری بکسر الرّاء المهملة؛ بلفظ هند» (۷۵ / ر).

۵) کاربرد قید مرکب "هرچگاه" بجای هرگاه: این ویژگی مختصه سبکی است و در عصر و موطن مؤلف، کاربرد داشته: یقال: عشروک. هر چگاه آحاد بر عشره ضم کنی، برای مؤنث علامت تانیث آری و از برای مذکر نیاری (۱۸ / چ)؛ نخل را اختیار کرد... چون هر چگاه که سر او را قطع می‌کنند، خشک میشود (۳ / ر).

۶) معرفی واژه‌های مُعَرَّب، لذا گنجینه واژه‌ها معرب است؛ برخی واژه‌ها معرب ریاض-الفتیان که در "فرهنگ فارسی در عربی اثر محمدعلی امام شوشتری و... نیست: از جمله: سراویل (۱۶ / ر)، یلمق (۲۳ / چ)، لجام (۲۵ / ر)، ستوقه (۲۵ / چ)، کربزه (۴۰ / ر)، زبد (۶۲ / چ)، میزاب (۶۹ / ر)، بخت (۷۲ / ر)، هون (۷۳ / چ)، بوُس (۷۸ / چ)، طاقه (۷۹ / چ)، بهرج (۸۵ / ر)، بیرم (۸۶ / ر)، جوز (۸۸ / چ)، کعک (۸۹ / چ)، دلق (۹۰ / ر) و ...
الکُزْبَرَةُ ... گشنیز وبفتح الباء ایضاً لغة و قيل هو المعرب (۴۰ / ر)؛ الزَّيْدُ: بالزَّاءِ والباءِ المفتوحين؛ کفک آب، شیر، شراب و غیرهما. تقول أَرَيْدَ الشَّرَابُ أی؛ قَدَفَ بِالزَّيْدِ، کفک پارسی است وَمُعَرَّبٌ (۶۲ / چ).

۷) بسیاری از کاربرد قدیم و اصیل واژه‌ها را ذکر میکند: الْمَخِيضُ یعنی قازدن (=ن: قازدن) مَشک و خِیگ و جنباندن هر چیزی (۴۰ / ر)؛ الْجَبَانُ: بفتح الجیم وبالباء بنقطه؛ بد دل (۴۲ / چ)؛ سَنین: سونش سنگ (۶۲ / چ)؛ جِگه: خارش، خلیدن (۱۴ / چ) چیزی در دل؛ اسفندارمذ بجای [ماه] اسفند (۵۶ / چ).

۸) گاه تحت تأثیر زبان عربی، مطابقت صفت و موصف را رعایت میکند: شیخ کتاب خود را قطعه‌ها کرد، یک قصیده نکرد، برای آنکه خواست که أبخر مختلفه را بیارد (چ/۴).
۹) در نصاب برخی واژه‌ها عربی بجای فارسی، با دیگر واژه عربی معنا شده "وَجِيز و مُلَخَّصٌ بود، مُخْتَصِرٌ" (۹۲/ر) که شارح، معادل فارسی آن را می‌آورد: المختصر: ... سخن کوتاه کردن، راه کوتاه برگرفتن و عصا در دست گرفتن از بهر تکیه، أما مُلَخَّصٌ بدین معنی که مذکور است، مختصر نیست (۹۲/چ).

۱۰) به رسم کتب فروع اللغه، به تفاوت کلمات ظاهراً مترادف، اشاره میکند: "ضیاء و نور و سنا روشنی" ... هر سه واژه را "روشن" معنی می‌کند اما روشنی ضیاء از نور قویتر است و نور از سنا... (۸/ر)؛ "غنی مالدار است و مسکین گدای"، مسکین را فقیر معنی می‌کند و فرق آن دو را چنین می‌گوید: اهل شرع، مسکین را کسی گویند که هیچ ندارد و فقیر کسی را گویند که چندان نداشته باشد که زکات بر او واجب شود (۷۶/ب).

ج) ویژگیهای سطح نحوی:

- ۱) تمایل به تقدم فعل، بر سایر اجزای جمله:
 - تقدم فعل بر متمم: العارضُ ... ابر سایه افکن و آفتی که پیش آید، از بیماری (۵۷/ر)؛ غرض از نام، امتیاز است از ما عدا؛ پس شهر آنسب باشد، به ذکر (۱/چ)؛ نبیره در مدح پدر پیر، زیادت میکوشد از پسر در مدح پدر. (۲/چ)؛ شیخ آدمیان گفته بلفظ جمع، به اعتبار هر سه لفظ (۹۵/چ).
 - تقدم فعل بر مفعول: آب بسیار، چندانک بپوشد هر چیزی را (۷۸/ر).
- ۲) به سبک قدیم در آوردن "را" صرفه جویی میکند اما آن را در معانی گوناگون به کار میگیرد؛ انواع "را":
 - "را" حرف اضافه" به معنی برای: الف زاید است در فراه، ضرورت شعر را (۱/چ)؛ وقوف تمام، حاصل آمد مرا (۷۷/ر).
 - "را" حرف اضافه" به معنی به: الضَّرُّ والمضَرُّ ... یعنی زحمت رسانیدن کسی را (۷۹/چ)؛ ازین جهت، او را محذی گفتند (۸۰/چ).
 - ۳) کاربرد اندک "را" نشانه مفعول صریح: المُنَدِّد ... کسی را به بدی، معروف کردن و پرده او را دریدن (۸۲/چ).
 - ۴) ارجاع "او" به جاندار و غیر جاندار، هر دو:

- او = غیر جاندار؛ چون این مجموع، دویست و بیست بیت آمد، او را نصاب الصببان نام کردم (۴/ر)؛ این هر پنج، به معنی کم خبری است و بحث او گذشت (۹۲/چ).
- او = جاندار؛ این دویست بیت را، هر کس بخواند و بداند مستغنی گردد از لغت، و فضل او به مقامی رسد که به دیگران فایده رساند (۴/چ).
- (۵) هر بیت یا مصرع، یک جمله است؛ یعنی، ابیات موقوف المعانی نیستند (مگر در قطعاتی که به اسامی فرزندان، همسران موالی پیامبر یا نام بروج ۱۲ گانه، خانه ماه و خورشید، بیماریها، سور مکی و مدنی و نام قلاع فتحی خیبر اشاره دارد).
- (۶) کاربرد "ی" استمرار: قیاس آن بود، که جمع مکیال بالکسر، مکاییل بودی مثل مصباح ومصاییح (۷۸/چ).
- (۷) کاربرد بای تأکید سرِ مصادر و افعال: الموزون: إسم مفعول ... یعنی بسنجیدن (۴/ر)؛ الوضع بالفتح؛ بزادن (۹۲/ر).
- (۸) کاربرد بسیارِ مصادر: المرق: ... پشم از گوسفند برکندن و سرگین انداختن مرغ و چیزی در دیگ کردن (۳۹/چ).

۶-۲-۲- سطح فکری

"ریاض‌الفتیان" شرح دشواری‌های واژه‌نامه‌ای منظوم و بنوعی دایره‌المعارفی موجز است و به علم لغت و نحو و... مربوط می‌شود؛ پس شارح فرصت چندانی برای بروز عقاید، احساسات، دید فلسفی و... نداشته است. اگر قصد پدید آورنده را بتوان تا حدی با سطح فکری وی مرتبط دانست (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۱۵۸) شارح را باید عینیت‌گرا و جزء نگر دانست؛ زیرا بیشتر به موضوعات علمی (نجوم، تاریخ اسلام، شیمی، لغت...) و تفاوت‌های لطیف و جزئی لغات پرداخته است. در قطعات ۲۴ و ۲۵ به شرح منطقه البروج، خانه اجرام آسمانی چون ماه، خورشید و... و اسامی فارسی و عربی اجرام سبعه میپردازد؛ در قطعه ۳۲ به شرح ویژگی فلزات سبعه و وزن حجمی آنها پرداخته و در قطعات ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ اسامی فرزندان و همسران و موالی پیامبر را شرح میکنند، یا با ظرافت تمام به شیوه کتب فُروق اللغه، تفاوت واژه‌ها ظاهراً مترادف مثل سرعت و عجله، مسکین و فقیر را بدین گونه یادآور میشود: "سعال، سرفه و سرعت، شتاب ..."، "السَّرْعَةُ... شتاب یعنی خلاف البُطوء ... والفرقُ بین السرعة و العَجَلَةُ، ان السرعة تطلق علی الخیر والشرّ بخلاف العَجَلَةُ فانها لا تطلق الا علی الشرّ (۲۷/چ)؛ "غنی مالدار است و مسکین، گدای ..."، مسکین را،

فقیر گفته و فرقیشان را چنین میگوید: اهل شرع، مسکین را کسی گویند، که هیچ ندارد، فقیر کسی را گویند، که چندان نداشته باشد، که زکات برو واجب شود (۷۶ / چ).
از آنجا که شارح، مطالب گوناگونِ نصاب الصبیان، را شرح کرده و با تنوع موضوع و عدم یکدستی مطالب مواجه بوده است، شاید نتوان سطح فکری برجسته‌ای، برایش ذکر کرد، اما ظاهراً گرایش به گزینشِ چنین موضوعی را می‌توان به پرورش شارح، در خانواده‌ای نحوی و عشق شخصی او به علم لغت و نحو، مربوط دانست؛ کسی که پدربزرگش در قطعه‌ای عربی، شاه کرت - شمس‌الدین محمد - را می‌ستاید و پدرش کمال‌الدین - صاحب دیوان کمال خوافی - "العوامل" اثر نحوی جرجانی را منظوم کرده، به والی هرات تقدیم می‌کند، بعید نیست در چنین خانواده‌ای، به زبان عربی، فارسی و سایر زبان‌های حوزه علمی زمان، مسلط باشد، و با توجه به رواج شرح نویسی در عصر تیموری، مشتاقانه بخواهد با خلق اثری سودمند (ریاض‌الفتیان) موجب رفع ابهام کتاب پرکاربرد "نصاب‌الصبیان" شده، در جهت آموزش زبان علمی زمان (عربی) و شرح اصطلاحات دانش‌های عصر، برای طالبان علوم و کودکان قدمی بردارد؛ بویژه که در این زمینه دوستان و اطرافیان (قول شارح در مقدمه) هم مشوق او بوده باشند.

از آنجا که در آشکاری سطح فکری، باید مواردی چون خردگرا یا عشق‌گرا بودن، ملی - گرایی یا مذهبی بودن، جزیبی نگری یا کل‌گرایی، گرایش به شادی یا غم، بدبینی یا خوش بینی و ... را مد نظر داشت، ظاهراً مؤلف را باید جزء نگر (توجه به تمام معانی واژه و جوانب گوناگون کاربرد آن)، واقع بین و خرد گرا (بیمیلی به تخیلات و ذهنیات) تصور کرد و نگرش او را، در "ریاض‌الفتیان" رویکرد عالمی لغوی، نحوی، آگاه به اصطلاحات علوم زمان، و در عین حال، مذهبی دانست، که گاه به اثرش چاشنی ادبی میرند؛ ضمناً اهتمام وی را در جهت استفاده، از واژه‌ها کهن فارسی (حتی برای واژه‌های که صاحب نصاب، معادل فارسی برایش نیافته یا ذکر نکرده)، شاید بتوان دال بر ملی گرایی، اصرار برای جلوه گری و ابقای زبان فارسی و تسلطش به زبان و فرهنگ مادری، دانست؛ وی برای واژه‌های عربی زیر، خوش ذوقانه برابره‌های فارسی به کار میبرد: ۱. "سَفَن": سوهان "چوب سای" (۵۹ / ر)؛ ۲. انگشت "زغال" سوزانیدن (۸۵ / ر)؛ ۳. ازرق: کبود، "گر به چشم" (۲۶ / ر)؛ ۴. معادل "مفأد مفند": آلتی که بدان آتش بر هم زنند (فرهنگ جامع نوین، ترجمه المنجد)، تنور "سازان" (۸۵ / ر) یا "تنور شوران" (نسخه بدل ۸)؛ ۵. حَطَب هیزم، "فروزینه و آتش گیره" را جایگزین میکند (۳۳ / چ) و ...

۶-۳-۲- سطح ادبی

گرچه ریاض‌الفتیان، شرح واژه‌نامه‌ای منظوم است، در برخی بخش‌ها (مقدمه و شرح برخی واژه‌ها و اصطلاحات) کاربردهایی از آرایه‌های لفظی و معنوی هست، البته به قصد خلق اثر ادبی نبوده، و بنا به ضرورت و نوع مطلب است.

کاربرد و شرح اصطلاحات شعری- ادبی:

(۱) والرَّدْفُ والرَّدِيفُ : الَّذِي يَرْكَبُ خَلْفَ الْآخَرِ، الرَّدْفُ بِالْفَتْحِ؛ مصدرٌ مِنْ بَابِ عَلَّمَ، يَعْنِي؛ از پی فرا شدن، والرَّدْفُ فِي الشَّعْرِ: حَرْفٌ سَاكِنٌ مِنْ حُرُوفِ الْمَدِّ وَاللَّيْنِ يَقَعُ قَبْلَ حَرْفِ الرَّوِيِّ (۹۵/ر).

(۲) تجنیس ناقص: آنست که میان دو چیز که در اصل حروف، متحد باشند و در حرکت، مختلف و اگر در حرکت هم متحد باشند، تجنیس تام باشد؛ "الدقیق" و "الدقیق" و "النخل" و "النخل"؛ چون هر نخلی و دقیقی به معنی دیگر است (۳/ر).

(۳) شرح لف و نشرهای متن: رعایت لف و نشر کرده: اول دو لفظ را ذکر کرد، که فتی و خفیف است؛ بعد از آن دو معنی را ذکر کرد، که جوان و سبک است (۸/چ) ... فتی، خفیف، جوان و سبک

(۴) کاربرد تضاد، در شرح واژه‌ها: العلو... خلاف السفل؛ یعنی بالا (۸۷/ر)؛ البرد... سرما؛ البرودة بالضم، ضد الحرارة (۹۳/چ).

(۵) ضمن ذکر معنی مجازی واژه، نوع مجاز را می‌آورد: الوقوف ... ایستادن. و شیخ دانایی گفته... چنانکه گویند فلان صاحب وقوف است... ظاهراً ذکر ملزوم و ارده لازم می‌نماید؛ چون توقف و تأمل در چیزی موجب علم و دانایی می‌باشد (۷۷/چ)؛ این، از ویژگی‌های عصر تیموری است که "تعبیرات و ترکیبات مجازی ... از نظر کمیت، به کثرت، به منظور آرایش کلام، به کار می‌رود. از معنی واحد، با عبارات مختلف و تمثیلات و تشبیهات و استعارات و کنایات متنوع، تعبیر می‌شود" (فن نثر در ادب فارسی، خطیبی: ص ۶۰).

(۶) استفاده بسیار از آرایه درج، تضمین و ارسال المثل به منظور تأکید و تأیید: پس کنیت را ذکر کرد، که "الْقَالُ عَلَى مَا جَرَى" (۱/چ) و این شیوه رایج عصرست، بطوریکه نویسنده، "امثله، مصاربع و ابیات شعری را برای بیان قسمتی از معنی که می‌بایست به نثر نوشته شود، به رشته عبارت می‌کشید و در آن چنان با مهارت جای

می‌داد، که تفکیک این دو، نه تنها در زیبایی کلام اثر می‌گذاشت، بلکه تسلسل و توالی معانی را نیز از هم می‌گسیخت" (همان: ص ۲۱۱).

(۷) اقتباس و استفاده از آیات و احادیث، از جمله خصوصیات ریاض‌الفتیان، است که متأثر از سبک عصر نویسنده -عصر تیموری- است (همان، ۱۹۷)؛ الکنان... غطا و پوشش... کقوله - تعالی - : وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْعَمَ: ۲۵ (۸۰ / ر).

(۸) جهت آراستن مقدمه، از تنسیق الصفات، بهره گرفته که مصداق تأثیر پذیری، از نثر تیموری است: دوستان مدتها باعث می‌شدند این ضعیف نحیف بی‌بضاعت، نظام بن ... را و جدّ صحیح اسفل این ضعیف، که مشغول شوم به نوشتن شرح این کتاب (مقدمه ریاض‌الفتیان).

(۹) " توامان کردن نظم و نثر": کما قال الشاعر: ان العوانین تلقاها مُحَسَّدَةً وَ لَنْ تَرَى لِلنَّامِ النَّاسِ حُسَّادًا (۲ / ر).

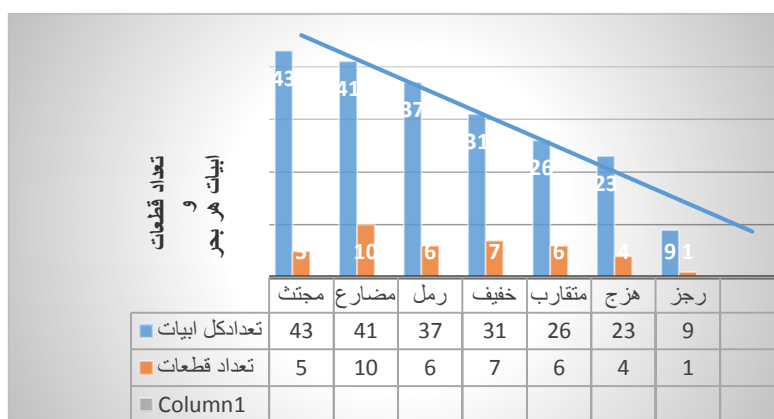
(۱۰) ذکر وجه تسمیه و علت: الفیلولة... ضعیف رای شدن و خواب پس نماز پیشین را فیلولة گویند؛ جهت آنکه جنون و بی‌رایی متولد میشود از وی و خواب میان روز را که سنت است، فیلولة و خواب بامداد را غیلولة گویند؛ چون فقر و درویشی ثمره اوست (۷۹ / ر)؛ عَرَضَ: خواسته... به پارسی قومی مال است جهت آن خواسته گویند که بیشتر خلق او را خواسته‌اند (۳۲ / چ).

۸- نتیجه‌گیری

اثر منثور "ریاض‌الفتیان" به جهت شرح واژنامه منظوم بودن، نثری علمی و ساده (جز در مقدمه و مقدمه) دارد؛ زیرا موضوع اثر، شرح است و لازمه تفهیم و تفاهم مطالب علمی، استفاده از بیانی گویاست.

از آنجا که هر اثر، متأثر از نثر زمان خود است، آمیختگی بسیاری با عربی دارد و در برخی بخشها از ذکر واژهها مفرد عربی یا چاشنی آیات و امثال عربی، فراتر رفته، واژه را تماماً به عربی شرح میکند (اکثر در صرف و نحو). در بخش معنی واژهها، شارح کوشیده، برای واژهها عربی که صاحب نصاب با دیگر واژه عربی معنی کرده، معادل فارسی بیاورد. ظاهراً استفاده فراهی، از واژنامه‌های "صحاح و تاجین" بر ابن حسام آشکار بوده، لذا ضمن رجوع به آن منابع، هر جا تطابق معنایی ندیده، با عبارت "در تاجین و صحاح یافت نشد" یا...، نظر دقیق و مستند خود را آورده است. نقل مستقیم یا غیر مستقیم (برداشت شخصی) معنی واژه، از واژه‌نامه‌های معتبری چون العین، تهذیب اللغة، صحاح و... صورت

گرفته و این از ویژگی‌های بارز اثر است. ریاض‌الفتیان گنجینه‌ی شناخت واژه‌ها معرب و بررسی تحولات صرفی واژه، آگاهی از وجه تسمیه واژه‌ها و... است. خلاصه این اثر، نکات جالب و دقیق گوناگونی دارد که در این کوتاه‌گفتار، مجال طرح آن نیست، لذا برای آگاهی بیشتر توصیه به مطالعه اثر، قابل ذکر است.



شکل ۱- نمودار میله‌ای تعداد قطعات و ابیات بحر "ریاض‌الفتیان"

جدول ۱- بحر عروضی "ریاض‌الفتیان" و تعداد قطعات و تعداد ابیات هر بحر

ردیف	نام بحر عروضی	تعداد قطعات	شماره قطعات	مجموع ابیات قطعات
۱	مضارع اخب	۱۰	۱۱-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۲۲- ۳۰-۳۴-۳۵-۳۷	۴۱
۲	خفیف مخبون	۷	۱۰-۲۰-۲۴-۲۵-۲۷-۳۱- ۳۹	۳۱
۳	رمل	۶	۳-۶-۱۲-۳۲-۳۶-۴۰	۳۷
۴	مقارب	۶	۱-۸-۹-۱۹-۲۶-۳۸	۲۶
۵	مجتث مخبون	۵	۲-۴-۵-۷-۱۳	۴۳
۶	هزج	۴	۲۱-۲۳-۲۸-۳۳	۲۳
۷	رجز	۱	۲۹	۹

منابع و مأخذ

- ۱- الذریعة الى التصانيف الشيعه، آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین، (۱۴۰۳)، چاپ علینقی و احمد منزوی، بیروت .
- ۲- انواع نثر فارسی، رستگار فسایی، منصور، (۱۳۸۰)، چاپ اول، تهران، سازمان تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- ۳- تاریخ ادبیات ایران، ریپکا و دیگران، یان، (۱۳۸۱)، ترجمه عیسی شهایی، چ ۲، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- ۴- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۴)، چاپ سوم، تهران، انتشارات فردوسی، ج ۳ و ۴.
- ۵- تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی مایل هروی، نجیب، (۱۳۸۰)، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۶- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی نفیسی، سعید، (۱۳۴۴)، چاپخانه میهن، کتابفروشی فروغی.
- ۷- تحفه سام، حسام خویی، حسام الدین حسن بن عبدالؤمن، تهران، تکدرخت، ۲۰۱۰م.
- ۸- تذکره الشعراء، سمرقندی، دولت‌شاه، (۱۳۱۸ق.)، به اهتمام ادوارد براون، هلند، لیدن .
- ۹- ریاض‌الفتیان، ابن حسام هروی، نظام الدین بن جمال الدین بن کمال الدین (۷۸۵ق.)، نسخ خطی شماره ۱۱۸۲۱ و ۱۲۶۱۸ و ۲۳۹۳، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۵۵۰۱ کتابخانه ملک، ۴۲ د کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۴۴۰۱ کتابخانه دانشگاه تهران، ۸۵۸/۱ و ۱۶۴۴۵ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۱۰- سبک شناسی، بهار، محمد تقی، (۱۳۷۹)، چ ۹، تهران، انتشارات مجید
- ۱۱- فرائض‌نامه منظوم ابن حسام خوافی، خامه‌یار، احمد، (۱۳۹۴)، فصلنامه نقد کتاب فقه و حقوق، سال ۱، شماره ۳ و ۴ (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، ص ۲۷۱.
- ۱۲- فرهنگ جامع نوین، (ترجمه المنجد)، سیاح، احمد، (۱۳۸۴)، تهران، انتشارات اسلام.
- ۱۳- فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی شوشتری، محمد علی، (۱۳۴۷)، تهران، انتشارات بهمن.
- ۱۴- فرهنگ‌نامه‌های عربی به فارسی، منزوی، علی، (۱۳۳۷)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵- فن نثر در ادب پارسی، خطیبی، حسین، (۱۳۶۶)، چاپ اول، انتشارات زوار.

- ۱۶- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین، (۱۳۵۴)، تهران، دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران.
- ۱۷- فهرست نسخه‌های خطی، منزوی، احمد، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳.
- ۱۸- فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، درایتی، مصطفی، مشهد، مؤسسه فرهنگی پژوهشی الجواد (ع)، ج ۷.
- ۱۹- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوس.
- ۲۰- لغتنامه، دهخدا، علی‌اکبر، چاپ تهران.
- ۲۱- معرفی منظومه اعتصامیه سلطانی‌فر، صدیقه، (۱۳۸۶)، (اولین نصاب فارسی به فرانسه)، گنجینه اسناد، مقاله ۱۰، دوره ۱۷، شماره ۴، زمستان، صفحات ۱۲۵-۱۳۴.
- ۲۲- منتخب اللطائف، رحیم‌علی‌خان، ایمان، (۱۳۹۰)، تصحیح حسین و مهدی‌علیزاده، چاپ اول، تهران، انتشارات طهوری.
- ۲۳- موسیقی شعر، شفیعی‌کدکنی، محمد رضا، (۱۳۷۰)، تهران، انتشارات آگاه.
- ۲۴- نصاب الصبیبان، فراهی، ابونصر، به کوشش محمد جواد مشکور، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات اشرفی.
- ۲۵- نصاب‌الصبیبان و شروح آن، عیوضی، محمدعلی، فصلنامه کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی، سال ۱۹، شماره ۷۳، ص ۲۰۵.
- ۲۶- نصاب شوشتر، نیرومند، محمدباقر، (۱۳۵۰)، تهران، صدر.
- ۲۷- واژه‌های فریبکار، سمیعی، احمد، (مرداد ۱۳۷۳)، مجله شیمی، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۶-۲۱.